هو الابهی - ای ثابت بر عهد و پيمان ورقه ناطقه ملاحظه…

حضرت عبدالبهاء

اصلی فارسی



# ٢٤١

### هو الابهی

ای ثابت بر عهد و پيمان ورقه ناطقه ملاحظه گريد و مضامين سبب حيرت شد ولی از جهتی ملاحظه گشت که چنين امر عظيم ميثاق شديد و عهد قديم ربّ کريم البتّه بی امتحان و افتتان کلّی و طوفان کبير نخواهد شد. تا شدّت شتا و برف و بوران و يخ و سرما و بادهای تند ريشه‌کن و هواء اشتداد نيابد بهار جانپرور نيايد و نسيم ربيع مشکبار نوزد و اوراد و ازهار نشکفد و دشت و صحرا رشک جهان جنان نگردد. گل صدبرگ بوی عبير و عنبر نشر ننمايد. ابر نيسان نگريد، ساحت گلزار و چمن نخندد. تا اين امتحان شديد به ميان نيايد و فرياد ضعفاء به آسمان نرسد و متزلزلون به ميان نيايد علم ميثاق در قطب آفاق مرتفع نگردد و نفحات حديقه عهد و پيمان مشام دل و جان معطّر ننمايد. تا متزلزلی پيدا نشود مقام عالی ثابتين واضح و مشهود نگردد. تعرف الاشياء باضدادها. تا ظلمت ليله ليلاء نباشد انوار شمس حقيقت مشهود نگردد. پس محزون مباشيد مغموم مگرديد. الم ا حسب النّاس ان يقولوا آمنّا و هم لا يفتنون. البتّه آزمايش پيدا شود و متزلزلون در ميان آيند ولی بايد مدارا نمود و ملاحظه کرد. لفظ کريهی نسبت به نفسی نگفت. ناقضين را به جمال مبارک حواله کرد. احبّا را آگاه نمود و شبهات را باطل کرد و براهين قاطعه الهيّه را اقامه نمود و دلائل قويّه رحمانيّه را به لسان ملاطفت بيان کرد. بعضی را نصيحت مشفقانه نمود و بعضی را از خواب غفلت به نوع خوشی بيدار نمود و بيهوشان را هشيار کرد و جادلهم بالّتی هی احسن را بايد منظور داشت. باری در حقّ نفسی کلمه‌ای رکيک جائز نه. نهايت تعبير شديد تزلزل باشد و غفلت و احتجاب. فوق اين جائز نه، چه در حقّ متزلزلين اين حزب و چه در حقّ سائر ملل و امم. حضرت ابن ابهر عليه بهاء اللّه الابهی باحکمتند. ع ع